



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و آداب فارسی

کنجینه گویش های ایرانی

هفت گویش از حاشیه زاگرس

تألیف
سلمان علی یاری با بُلُقانی

گویش های

لری بختیاری هفت لنگ

لری دره جوزانی

لری سگوند

گورانی گوره جویی

لکی دلفانی

کردی کلهری

کردی گهواره ای

گنجینه گویش‌های ایرانی
هفت گویش از حاشیه زاگرس

تألیف
سلمان علی‌باری با بُلْقانی

گویش‌های:
لری بختیاری هفت‌لنگ
لری دره‌جوزانی
لری سگوند
گورانی گوره‌جویی
لکی دلفانی
کردی کلهری
کردی گهواره‌ای

گنجینه گویش‌های ایرانی (هفت گویش از حاشیه زاگرس)	
تألیف: سلمان علی‌یاری بابلقانی	
ویراستار: جمیله حسن‌زاده	
چاپ اول: ۱۳۹۶	
قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال	
شمار: ۵۰۰ نسخه	
صحافی و چاپ: کاری نو	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۱۵-۱	ISBN: 978-600-8735-15-1
نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی	
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴	
تلفن: ۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹-۰۲۱)	
دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰-۰۲۱)	
وبگاه: www.persianacademy.ir	

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	علی‌یاری بابلقانی، سلمان، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	گنجینه گویش‌های ایرانی (هفت گویش از حاشیه زاگرس)/ نویسنده سلمان علی‌یاری بابلقانی.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۴۸۸ ص: مصور (بخشی رنگی).
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۸۰.
شابک	978-600-8735-15-1
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
عنوان دیگر	هفت گویش از حاشیه زاگرس.
موضوع	فارسی -- گویش‌ها
موضوع	Persian Language -- Dialects
موضوع	زبان‌های ایرانی -- گویش‌ها
موضوع	Iranian Languages -- Dialects
موضوع	لکی -- دستور
موضوع	Laki Language (Iran) -- Grammar
موضوع	لری -- دستور
موضوع	Lori Dialect -- Grammar
موضوع	کردی -- دستور
موضوع	Kurdish Language -- Grammar
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی
رده‌بندی کنگره	۴۹۷۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۵۰۱۸۱۲۴

به مادرم

که خواهر کوهستان و باران است

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱۱	مقدمه دکتر محمدتقی راشدمحصل
۱۳	پیشگفتار
۱۴	نکاتی درباره شیوه کار در هر بخش
۲۳	معرفی مناطق و طایفه‌های مورد مطالعه
۳۵	گویشوران این دفتر
۴۱	جدول آوانگاری
۴۵	دستور زبان گویش‌های مورد مطالعه
۴۷	لری بختیاری هفت‌لنگ
۵۶	لری دره‌جوزانی
۶۵	لری سگوند
۷۴	گورانی گوره‌جویی
۸۴	لکی دلفانی
۹۶	کردی کلهری
۱۰۶	کردی گهواره‌ای
۱۱۵	واژه‌نامه موضوعی
۱۱۶	اندام‌های بدن انسان و واژه‌های وابسته
۱۲۶	ابزارهای کار، وسایل خانه، مواد و کانی‌ها
۱۴۴	آفت‌ها، بیماری‌ها و واژه‌های وابسته
۱۵۲	بستگان، آشنایان، پیشه‌وران و واژه‌های وابسته
۱۶۲	مکان‌ها، معماری، مصالح و اجزای ساختمان
۱۷۰	پوشیدنی‌ها، زیورها و وابسته‌های آن‌ها
۱۷۶	گیاهان، میوه‌ها و خوراکی‌ها
۱۹۲	جانوران، موجودات خیالی و واژه‌های وابسته
۲۰۶	عناصر و موقعیت‌های جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی

۲۱۴	اعداد و واحدهای اندازه‌گیری
۲۲۶	مزه‌ها و رنگ‌ها
۲۲۸	ضمیرها
۲۳۲	خصلت‌های انسانی، رفتارها و واژه‌های وابسته
۲۴۴	واژه‌های متضاد
۲۵۶	فعل‌های لازم و متعدی
۲۹۴	مصدرها
۳۳۴	مصدرهای مرکب
۳۴۳	جمله‌ها
۳۹۹	پی‌نوشت‌ها
۴۰۵	متن‌ها (آوانویسی و ترجمه)
۴۰۷	لری بختیاری هفت‌لنگ
۴۱۳	لری دره‌جوزانی
۴۱۹	لری سگوند
۴۳۰	گورانی گوره‌جویی
۴۳۸	لکی دلفانی
۴۴۶	کردی کلهری
۴۵۲	کردی گهواره‌ای
۴۵۹	نمایه فارسی

مقدمه

سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ دیرپای خود، زبان‌ها و گویش‌های پرشماری داشته است که بسیاری از آن‌ها اکنون گویشوری ندارد و از میان رفته است و تنها از روی نوشته‌های بازمانده بر سنگ، فلز، چوب، دیوار، پوست و ... به خط‌ها و زبان‌های مختلف به وجود آن‌ها می‌توان پی برد. از میان همه زبان‌ها و گویش‌های کهن، زبان فارسی با گویندگان پرشمار خود به‌عنوان زبان رسمی و گویش‌های متنوع آن به همت سخنوران، نویسندگان و گویشوران آن بر جای مانده و آثار ارزشمند ادبی و علمی که حاصل کوشش متفکران ایرانی است به آن نوشته شده است و برترین عامل پیوند اقوام گوناگون و سند افتخار ملی و هویت‌بخش ایران و ایرانی به شمار می‌رود.

گویش‌های ایرانی در شهرها و روستاهای ایران و کشورهای افغانستان و تاجیکستان سده‌های متمادی را درنور دیده و میراث پربار فرهنگی و فکری مردم را در درازای تاریخ پاییده است. این گویش‌ها در حفظ واژه‌های کهن و ویژگی‌های دستوری از زبان‌های رسمی محافظه‌کارترند و راویان راستین اندیشه‌ها و پندارهای عامه مردم و نسل‌های پیشین‌اند که امروز با گسترش رسانه‌های همگانی و ارتباط‌های آسان میان شهرها و کشورها و توسعه مدارس و اقبال به آموختن زبان‌های دیگر و ... در معرض زوال و خاموشی‌اند و بیم آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور به فراموشی سپرده شوند، یا اینکه بسی از ویژگی‌های کهن آن زیر سلطه زبان معیار کم‌رنگ و بی‌اثر شود؛ بنابراین حفظ و ثبت و ضبط گویش‌ها در بُعد واژه‌ها، دستور زبان، مکالمه‌های روزانه، داستان‌ها، مثل‌ها و اصطلاحات محلی خاص پیشه‌ها ضرورتی انکارناپذیر است. این آگاهی‌های گویشی در واژه‌گزینی و معادل‌سازی واژه‌های بیگانه، تصحیح متن‌های کهن فارسی، شناخت معنا و ریشه‌شناسی واژه‌ها و بازشناسی نوادر لغات فارسی و تنظیم دستورهای تاریخی یاریگر پژوهندگان و منبعی سودمند برای شناخت شیوه‌های زندگی اجتماعی و

آئین‌های ریشه‌دار تاریخی و بازتاب‌دهندهٔ باورهای مردمی هستند که به تاریخ پیوسته‌اند.

باتوجه به این ضرورت‌ها فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تأسیس با تشکیل گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به امر ساماندهی گویش‌ها همت گمارد و از سال ۱۳۸۹ این کار به صورت رسمی و سازمان‌یافته با تنظیم شیوه‌نامه‌ای که اهداف یادشده را تأمین کند، ادامه یافت و از پژوهشگران علاقه‌مند به گردآوری گویش دعوت به عمل آمد تا فرهنگستان را در این مهم یاری کنند. در این راستا تاکنون چندین مجموعه با عنوان **گنجینه گویش‌های ایرانی** که غالباً حاصل تلاش و کار مشترک گویش‌پژوهان و پژوهشگران گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است، منتشر شده است. شایان ذکر است که این گنجینه بر اساس پرسشنامه‌ای فراهم آمده است که بر روی وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نشانی www.persianacademy.ir در دسترس عموم پژوهشگران علاقه‌مند قرار گرفته است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی همچون گذشته آمادهٔ دریافت داده‌های گویشی از سوی پژوهشگران و علاقه‌مندان به گردآوری زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است و پیشاپیش از همکاری همهٔ آن‌ها سپاسگزاری می‌کند.

محمدتقی راشد محصل

مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

پیشگفتار

مجموعه حاضر گردآوری و بررسی زبانی هفت زبان/گویش ایرانی نو غربی (شمال غربی و جنوب غربی) از غرب و جنوب ایران است که یک گویش لری جنوبی (بختیاری هفت‌لنگ قلعه‌سردی)، دو گویش لری شمالی (دره‌جوزانی و سگوند زاغه)، یک گویش گورانی (گوره‌جویی)، یک گویش لکی (دلفانی نورعلی) و دو گویش کردی جنوبی (کلهری گیلان غربی و گهواره‌ای) را شامل می‌شود که بر مبنای الگوی «گنجینه گویش‌های ایرانی» فرهنگستان زبان و ادب فارسی گردآوری شده و بر آن‌ها دستور زبانی اجمالی نوشته شده و چند متن نمونه نیز افزوده شده است.

مواد گویشی در فاصله میان اوایل سال ۱۳۹۰ تا اوایل سال ۱۳۹۴ گردآوری شده است. لری بختیاری هفت‌لنگ از روستای «کلیملک» (منطقه قلعه‌سرد)، بخش دهدز شهرستان ایذه در استان خوزستان، لری دره‌جوزانی از روستای «بابلقانی» (منطقه دره‌جوزان)، دهستان «جوزان»، بخش مرکزی شهرستان ملایر در استان همدان، لری سگوند از روستای «باده»، بخش «زاغه» شهرستان خرم‌آباد در استان لرستان، گورانی گوره‌جویی از روستای «گوراجوب مرادیگ»^۱، بخش «گهواره»، شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه، لکی دلفانی از روستای «سبزه‌خانی»، دهستان «نورآباد»، بخش مرکزی شهرستان دلفان در استان لرستان، کردی کلهری از شهر گیلان غرب در استان کرمانشاه و کردی گهواره‌ای از شهر «گهواره» از شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه گردآوری شده است.

موقعیت گویشوران هریک از این گویش‌ها، به‌صورت کلی و روی یک نقشه در آغاز کتاب و به‌صورت جزئی و روی نقشه‌های جداگانه در بخش «معرفی مناطق و طایفه‌های مورد مطالعه» نشان داده شده است. برای نقشه کلی و نقشه مناطق کلان، یعنی شهرستان گیلان غرب و گهواره، از نقشه گوگل استفاده شده است. برای پنج گویش دیگر که هریک تنها یک روستا یا منطقه‌ای کوچک را شامل می‌شوند و موقعیت برخی از آن‌ها در نقشه گوگل ثبت نشده است، از نقشه‌هایی که در وبگاه مرکز آمار ایران (درگاه ملی آمار <https://www.amar.org.ir/>) موجود است استفاده شده است و منطقه مورد نظر، روی این نقشه‌ها مشخص شده است.

۱. در واقع از مردم این روستا که پس از متروکه شدن روستا در اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، کرج، ساوه، گهواره و ... پراکنده شده‌اند.

نکاتی درباره شیوه کار در هر بخش گویشوران

تلاش شده است بیشترین اطلاعات از گویشوران مُسن، مرد، کم‌سفر، بی‌سواد، تک‌زبان و حتماً بومی گرفته شود، اما در این اصول کلی استثناهایی نیز در جریان کار دریافت شده است که به همان صورتی که بدان عمل شده است، جداگانه در زیر می‌آیند.^۲

- گویشور «مسن» به صورت‌های زبانی (از هر نظر) کهن‌تری سخن می‌گوید، اما همین امتیاز مسن بودن مسائلی را نیز به همراه دارد؛ مانند بی‌حوصلگی، فراموش کاری، کم‌شنوایی، درنیافتن منظور پژوهشگر، اهمیت ندادن به پرسش پژوهشگر و ... مثلاً اگر می‌خواهید بدانید در زبان/گویش مورد پژوهش به «داماد» یا «چشمه» یا «خرمن‌کوب» یا واژه‌هایی انتزاعی‌تر مانند «درد» یا «عمیق» یا «ترس» چه می‌گویند، گویشور مسن می‌تواند پاسخ‌هایی کاملاً بی‌ربط بدهد. او می‌تواند به طرزی شگفت، بی آنکه پاسخی مرتبط دهد، پرسش شما را بایی قرار دهد تا خاطره‌ای را که خودش دوست دارد، تعریف کند. لذا در بسیاری موارد، برای بهره‌مند شدن از آگاهی‌های گویشور مسن، بهتر است بگذارید هرچه می‌خواهد بگوید و آنچه برای شما اهمیت دارد (مانند واژه، تلفظ یا صورت آوایی‌ای که جوان‌ترها فراموش کرده‌اند یا جمله‌ای که ساختاری ویژه و در حال تغییر یا فراموشی را در خود دارد) اگر مجازید ضبط کنید و گرنه، دزدانه بنویسید یا به ذهن بسپارید.

- «مرد»ان، احتمالاً به واسطه تجربه‌های اجتماعی گسترده‌تر، معمولاً دایره واژگانی پرشماتری دارند و ارتباط گرفتن با آن‌ها ساده‌تر است. اما مرد بودن گویشور می‌تواند با «کم‌سفر» بودن او در تضاد باشد. چندان ساده نیست که گویشوران مردی فراهم آورید که کاستی‌های مسن بودن (نک: بالا) را نداشته باشد، اما در آموشد با خارج از محیط زبانی خود هم نباشد. ایشان معمولاً پرمشغله‌اند، ممکن است پژوهش زبانی شما را «کار بی‌معنی کلمه جمع کردن» بخوانند و جدی‌اش نگیرند یا برعکس، به کار شما علاقه‌مند شوند و دست به تجزیه و تحلیل بزنند؛ یعنی یا پیش از به زبان آوردن، اطلاعات را از صافی تحلیل خود بگذرانند یا مَصّر باشند که در تحلیل‌های زبانی کمک کنند. اما زن‌ها معمولاً «کم‌سفر»ترند، زمان آزاد بیشتری

۲. پژوهش‌هایی مانند «سامارین، و. ۱۳۸۷ (چاپ دوم)، زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها)، ترجمه لطیف عطاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی» می‌تواند اطلاعات و پیش‌فرض‌های علمی خوبی برای کار میدانی بر یک گویش/زبان به پژوهشگر بدهد، اما هر جامعه و هر زبانی ویژگی‌ها و شرایطی دارد که گونه‌ای روش پژوهش و گردآوری اطلاعات ویژه همان فرهنگ و زبان را ایجاب می‌کند. این شیوه می‌تواند در بسیاری کلیات همسو با پژوهش‌هایی مانند نمونه بالا و در برخی جزئیات مستقل از آن‌ها باشد.

دارند، پرحوصله‌ترند و -دست‌کم آن‌طور که نگارنده تجربه کرده است- خوش‌حافظه‌ترند. ایشان گاه خاطرات ظریفی از دوران کودکی به یاد دارند که می‌تواند واژه‌ای فراموش‌شده از زبان مادر/پدربزرگ را عیناً بازگو کند. معمولاً ترانه‌ها و قصه‌های بیشتری می‌دانند، ترانه‌ها و قصه‌هایی که گاه ساختار یا واژه‌ای کهن را، به‌ویژه در جمله‌ها و بیت‌های ترجیع، بی‌گزند حفظ کرده است. واژه‌های مربوط به کارهای خانه (از فراورده‌های شیر گرفته تا ابزارهای پخت‌وپز و ...) را بهتر می‌دانند. معمولاً نه کار شما را «بیپوده» می‌انگارند نه سودای تحلیل (چه پیش از به زبان آوردن چه پس از آن) به سرشان می‌زند.

- به‌طور کلی «کم‌سفر» بودن گویشور عنصر مهمی است که می‌تواند عامل حفظ صورت‌های کهن‌تر زبانی باشد، اما امروز در هر خانه‌ای، حتی در دورافتاده‌ترین روستاها و حتی میان مردم کوچرو، تلویزیون (شبکه‌های داخلی و حتی خارجی) پرگوترین عضو خانواده است. پس کم‌سفر بودن گویشور، به‌تنهایی، انتظار شما را برای دست یافتن به صورت‌های کهن‌تر تضمین نمی‌کند، او سال‌هاست هم‌خانه‌ای پرحرف دارد که به زبانی دیگر سخن می‌گوید.

- «بی‌سواد» و «تک‌زبانه» بودن گویشور، اگر با «کم‌سفر» و نیز «مسن» بودن وی همراه باشد، می‌تواند منبع خوبی برای یافتن صورت‌های کهن‌تر زبانی باشد. اما اگر بخواهید از زبان دومی (مثلاً فارسی) به زبان مورد مطالعه راه پیدا کنید، مثلاً برای دانستن صرف یک فعل (به‌ویژه زمان‌هایی غیراز مضارع و ماضی ساده و وجه‌هایی جز اخباری و امر) یا برابر واژه‌ای نه‌چندان عینی، چنین گویشوری معمولاً کارآمد نیست.

- «بومی» بودن گویشور بی‌گمان ضروری است، مگر آنکه گویشوری بومی از زبان مورد مطالعه باقی نمانده باشد. لذا در این مجموعه تنها از گویشور بومی بهره گرفته شده است.

- سن گویشوران مطابق زمانی نوشته شده است که از آن‌ها اطلاعات زبانی گرفته شده است. اگر از گویشوری طی بیش از یک سال پرسش شده است، سن او مطابق زمانی است که نخستین اطلاعات از او گرفته شده است.

راهکارهای تجربی

آنچه گفته شد، نگارنده را بر آن داشت تا در گردآوری واژه‌ها و جمله‌ها، در عین در نظر داشتن اصول کلی مذکور (اولویت گویشور مُسن، مُرد، کم‌سفر، بی‌سواد، تک‌زبانه و بومی)، تا جایی که ممکن بود، ترفندهایی را به کار گیرد که کاستی‌های و افزونی‌های یک طیف گویشور (مثلاً مسن و بی‌سواد)، با افزونی‌ها و کاستی‌های دسته دیگر (مثلاً جوان و باسواد) جبران شود. این ترفندها، به همان صورتی که بدان عمل شده است، جداگانه در زیر می‌آید.

- معمولاً در هر روستایی، میدان گونه‌ای، گذر اصلی‌ای، سایه‌سار و چمنی، جایی هست که عصرهای آفتابی، مردانی که مشغله‌ای ندارند، به‌ردیف یا گرد در گروه‌های چند نفری می‌نشینند و گپ می‌زنند.^۳ این‌ها معمولاً پیرمردهای روستا، اما همیشه تعدادی میان سال و گاه چند جوان هم میان ایشان هست. چنین جمعی برای گردآوری داده‌های گویشی بسیار پربازده است. تعداد، طیف‌های مختلف و فراغت ایشان شرایط بسیار مناسبی فراهم می‌کند. داوطلبانه و پرحوصله مشارکت می‌کنند و حتی گاه رقابت سودمندی میان ایشان درمی‌گیرد، گاه نظر یکدیگر را نقد می‌کنند^۴ و گاه کسی به‌واسطه تجربه یا پیشه‌اش دسته‌ای از واژگان را بهتر می‌داند.^۵ در این فرصت می‌توانید برآورد کلی‌ای از گویشوران منطقه به‌دست آورده و چند گویشور باهوش، پرحوصله، کم‌مشغله و اصیل‌گو را نشان کنید تا بتوانید برخی واژه‌ها و ساختارها و حدس‌ها و تردیدهای خود را، به‌ویژه برای نوشتن دستور زبان، با ایشان بیازمایید.

- بسیاری از گویشورانی که پیشه معلمی، کارمندی، شاعری و ... دارند و به هرصورتی نزد خود و بومیان «باسواد» دانسته می‌شوند و گاهی مصّرائه شما را به ایشان ارجاع می‌دهند، معمولاً گمراه‌کننده، پریشان‌کننده و هدردهنده زمان و نیرو، چرا که معمولاً همه چیز را از صافی تحلیل خود می‌گذرانند و بعد به شما می‌گویند. گاهی این تحلیل را به زبان هم می‌آورند و حتی گاهی (مثلاً در پذیرفتن نظر گویشوران دیگر) با شما مخالفت و بحث می‌کنند. بهتر است از این گروه پرهیز شود و بی‌پرده توضیح داده شود که گویشور می‌باید فردی معمولی و حتی بی‌سواد باشد.^۶ در این گروه، حتماً افراد هوشمندی هم هستند که در جایگاه گویشور باقی می‌مانند و

۳. داده‌های گویشی که نگارنده به این صورت در روستای باده و شهر گهواره، به‌ترتیب برای لری سگوند و کردی گهواره‌ای، گردآورد، بسیار خرسندکننده‌تر از آن‌هایی بود که در شرایط دیگر گردآورد.

۴. برخی واژه‌ها، به‌ویژه واژه‌های مربوط به امور عینی، مناقشه‌برانگیز نمی‌شوند و معمولاً هر کس از این انجمن که جمله و واژه دقیق‌تر و اصیل‌تر را به یاد بیاورد، زود به تأیید دیگران می‌رسد. اما اگر اختلاف نظری میان ایشان درگیرد، می‌تواند برای پژوهشگر سودمند باشد. اصالت همه واژه‌ها را، تنها بنابر روند آوایی خاص آن زبان یا مقایسه‌اش با گویش‌های نزدیک، نمی‌توان تشخیص داد؛ لذا چون در میان نقد به یک نظر، مثلاً بشنوید که «این واژه/تلفظ به لری «سگوند» نیست، شاید تو از زبان مادرت می‌گویی که اصالتاً «چگنی» است» یا «این واژه/تلفظ به کردی «کلهری» نیست، شاید از قول «سندجی‌ها» می‌گویی که مدتی آنجا دانشجو بوده‌ای»، در پذیرفتن نظرات متفاوت این گویشور محتاط خواهید شد.

۵. مثلاً چوپان‌ها واژه‌های مربوط به دام را (از نام‌های مختلف دام بنابر سن، جنس، نژاد، فصل بودن و نبودن گرفته تا بیماری‌های دام) جزئی‌تر و دقیق‌تر از دیگران می‌دانند. قصاب‌ها جزء جزء اندام‌های درونی جانور را می‌شناسند و کشاورزها، گذشته از واژه‌های مربوط به کشت‌وکار، ممکن است واژه‌های مربوط به گاهشماری بومی را نیز بهتر بدانند.

۶. اگر کنار گذاشتن گویشور باعث دل‌آزردگی شود، می‌تواند در کار خلل ایجاد کند. پس بهتر است این کار مستقیم و تند نباشد.

تحلیل را به پژوهشگر واگذار می‌کنند که در این صورت می‌توانند گویشوران کارآمدی برای پرسیدن جمله‌ها و واژه‌های آزماینده، برای سنجیدن مقوله‌های دستوری دشوارتر باشند.

- در هر منطقه‌ای ممکن است گویشورانی باشند که بنابر دلبستگی به فرهنگ و زبان خود، برخی واژگان یا زبانزدها و متل‌ها را ذوقی گردآورده باشند. برخی افراد این گروه نیز، مانند گروه پیشین، ممکن است اطلاعاتی به شما بدهند که از صافی تحلیل خودشان گذشته است. اما اگر چنین نباشد یا اطلاعات ایشان با دیگر گویشوران سنجیده شود، دست کم بخشی از آنچه به‌رنج گردآورده‌اند، می‌تواند بسیار سودمند باشد. به‌ویژه که معمولاً این گروه دایره واژگانی فعال خوبی در ذهن دارند.

- یک مسئله مهم همیشه «فارسی‌زدگی» گویشوران است. گویشور ممکن است وام‌واژه‌های فارسی تازه‌ای را به کار برد یا متأثر از واژه فارسی‌ای که می‌پرسید، تلفظ گویشی همان واژه فارسی به‌ذهنش بیاید یا اصلاً خودآگاه یا ناخودآگاه، دوست بدارد و احساس شأن کند که زبانش به فارسی هرچه نزدیک‌تر باشد، پس تا می‌تواند با واژه‌ها و جمله‌های فارسی‌زده پاسخ می‌دهد. در مقابل، البته با بسامد کمتر، گویشورانی نیز هستند که بنابر گونه‌ای دلبستگی متعصبانه به زبان/گویش خود، تلاش می‌کنند تا آنچه در پاسخ می‌گویند، چه واژه و چه جمله، تا حد امکان از فارسی دور باشد. مثلاً ممکن است شما بخواهید بدانید در این گویش به «سگ» (سگ به طور کلی و فارغ از جنس و نژاد و رنگ و ...) چه می‌گویند و او از به زبان آوردن همان واژه «سگ» که پاسخ درست پرسش شما است، سر باز زده و مثلاً واژه‌ای که برای «سگ نر» به کار می‌رود و برابر فارسی ندارد را در پاسخ بگوید. یا ممکن است واژه/جمله‌ای را در پاسخ شما بگوید که در زبان او نیست و از هم‌زبان خود در منطقه‌ای دیگر شنیده است و آن را، به‌جا یا نابه‌جا، اصیل‌تر می‌پندارد. برخورد با هردو دسته می‌باید محتاطانه باشد و اطلاعاتی که می‌دهند با دیگر گویشوران سنجیده شود.

- پژوهشگر می‌باید زبان مورد مطالعه را، دست کم به‌طور کلی بفهمد و تا اندازه‌ای صحبت کند و کلیات روند آوایی آن را بشناسد. در این صورت می‌توان برخی واژه‌های نااصیل را شناخت و پیگیری کرد که آیا صورت اصیل موردانتظار نیز وجود دارد یا نه.^۷

- قصه‌ها، ترانه‌ها، زبانزدها و چیستان‌ها می‌توانند صورت‌های کهن‌تر زبانی را در خود نگه دارند. اما باید هشیار بود که گاه بخشی (به‌ویژه جمله‌ها و ترانه‌های ترجیع میان قصه‌ها و آیین‌ها و برخی نقل قول‌های مستقیم از زبان شخصیت‌های قصه) یا تمام آن متعلق به زبان دیگری

۷. نگارنده گویش‌های لری شمالی و کردی جنوبی را در این مجموعه کاملاً درمی‌یابد و به یک گونه از هریک سخن می‌گوید و گویش‌های دیگر این مجموعه را تقریباً به‌طور کامل درمی‌یابد.

است با پوشش تلفظی زبان مورد مطالعه.^۸ این موارد باید شناسایی شده و جزء مواد گویشی به‌شمار نیاید یا با احتیاط از آن استفاده شود.

دستور زبان

برای هر یک از هفت گویش این مجموعه، جداگانه دستور زبانی اجمالی نوشته شده است که در آن، مقاله «گویش ویدری» استادام آقای دکتر رضائی باغبیدی^۹ الگو قرار گرفته است. در این دستورها تنها کلیات گفته خواهد شد و نمی‌توان مدعی بود که همه مقوله‌های دستوری هر گویش جزء به جزء بررسی شده است. مثلاً گویش‌های لری این مجموعه ممکن است فعل ماضی ابعاد نیز داشته باشند و در گویش‌های شمال غربی مجموعه، بحث نحوی در حرف اضافه‌های پیشایندی که حرف اضافه پسایند خاصی به اسم خود می‌دهند، می‌تواند با دقت و جزئیات بیشتری بررسی شود.

دست کم برای گویش‌های یک زبان مانند گویش‌های لری و کردی، می‌شد دستوری واحد نوشت و موارد اختلاف را ذکر کرد. به‌ویژه که مقایسه را ساده‌تر می‌کرد. اختلاف آوایی پاره‌های دستوری، شاهد‌های جداگانه‌ای که به واسطه تفاوت‌های آوایی برای هر گویش نیاز بود و حتی اختلاف‌های دستوری قابل توجه میان گویش‌های یک زبان (مثلاً اختلاف میان فعل‌های ماضی استمراری و مضارع در جریان در کردی کلهری و گهواره‌ای یا فعل‌های مضارع در جریان و فعل بودن در سه گویش لری مجموعه) سرانجام نگارنده را بر آن داشت که دستورها جداگانه نوشته شود و ناچار موارد همسان بازگو شود.

دستور زبان‌ها بنابر مواد گویشی همین مجموعه (واژه‌ها، جمله‌ها و نمونه متن‌های آوانویسی شده) و گفتگوهایی که نگارنده از بومیان شنیده، نوشته شده است. مقوله‌هایی که شاهد کافی از آن‌ها در این مجموعه نیامده است یا نگارنده از گویشور نشنیده است یا به هر صورتی از آن مطمئن نبوده است، بنابر واژه و جمله‌های آزماینده فارسی به گویش موردنظر (با رعایت نکات پیش‌تر گفته شده برای پرهیز از متأثر شدن گویشور از فارسی) بازآزمایی شده است. در بخش آواشناسی، برخی تحولات آوایی از ایرانی باستان به نو داده شده است. این بدان

۸ علاوه بر برخی مواردی که در آوانویسی متن‌های این مجموعه به آن اشاره شده است، نک: مثل/قصه نخست از متن‌های کتاب Mahmoudveysi et al. 2010. *The Gorani language of Gawraji, a village of West Iran*. Wiesbaden. مثلاً ص ۸۴ (۱:۴۷ و ۱:۴۸) که بیت‌های ترجیع نه به گورانی که به کردی سورانی است.

۹. رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۳، «گویش ویدری»، گویش‌شناسی ضمیمه نامه فرهنگستان، جلد اول، شماره سوم، ص ۲۰-۳۸.

معنی نیست که نگارنده مدعی است که این تحولات از همان دوره باستان آغاز شده‌اند. باید توجه داشت که بسیاری از این تحولات از دوره میانه به بعد و حتی در برخی موارد، احتمالاً از اوایل دوره نو به بعد، آغاز شده‌اند.

واژه‌ها، جمله‌ها، متن‌ها و آوانویسی آن‌ها

گذشته از آنچه درباره گزینش گویشور و برخورد با اطلاعاتی که می‌دهد ذکر شد، نکات کلی زیر در گردآوری واژه‌ها و جمله‌ها مدنظر بوده است.

- تا جایی که می‌شود، بهتر است از پرسیدن کلامی واژه‌ها پرهیز شود و از خود آن چیز، تصویر آن یا اشاره‌ها و نشانه‌های بی کلام دیگر استفاده شود. پرسیدن واژه‌های انتزاعی‌ای چون امید و ترس و ... البته به این شیوه دشوار است، اما به سادگی می‌توان به مژه، زانو، خاک، درخت، مرغ و ... اشاره کرد و برابر گویشی آن را پرسید. فعل‌ها را نیز معمولاً می‌توان نمایش داد: می‌توانید بنشینید، دستتان را بخارانید، خوردن چیزی را نمایش دهید و ... با این کار، تا اندازه‌ای می‌توان از پیش‌فرض‌هایی که کلام به گویشور می‌دهد، در امان ماند.

- معمولاً برای گویشور دشوار است که دقیقاً صرفی از فعل را که می‌خواهید، بگوید. ممکن است شما فعل مضارع بپرسید و او ماضی ترجمه کند. در صرف‌های دشوارتر/کم‌پسامدتر مانند فعل‌های ماضی التزامی مسئله پیچیده‌تر نیز می‌شود. پس، از جمله‌هایی با قیدهایی چون «همین الان»، «دیروز»، «پارسال، هر هفته» برای رهنمودن گویشور به زمان مورد نظر یا «کاش وقتی جوان بودم ...» و مانند آن برای رهنمودن وی مثلاً به ماضی التزامی^{۱۰} بهره گرفته شده است.

- گاه ممکن است یک مفهوم/واژه فارسی با برابر گویشی‌ای با گونه دستوری متفاوت بیان شود. مثلاً برابر اسم، صفت بیاید (مانند کلهری čow-a-re: «منتظر» برای «انتظار») یا برابر صفت، فعل بیاید (مانند کلهری bard-en «بردن، پیروز شدن» برای «پیروز») یا برابر اسم، فعل بیاید (مانند کلهری turiyâ-n «قهر کردن» برای «قهر»). در این صورت جلوی هر واژه کوتاه‌نوشته‌های ص: صفت، اس: اسم و ف: فعل آمده است تا مشخص شود که مثلاً čow-a-re: که جلوی واژه «انتظار» آمده است، دراصل صفتی با آن معنی است، یعنی «منتظر».

- زبان‌ها توانایی‌های واژگانی متفاوتی دارند. همان‌طور که ممکن است یک واژه فارسی برابر گویشی دقیقی نداشته باشد، ممکن است یک واژه فارسی چند برابر گویشی داشته باشد. اگر برابر

۱۰. در این مورد ممکن است ویژگی گویش‌های مختلف متفاوت باشد و لزوماً بعد از این جمله فعل ماضی التزامی به کار نرود. این تنها به‌عنوان مثال ذکر شده است و برای گویش‌های کردی جنوبی کاربرد دارد.

گویشی دقیقاً هم‌معنی واژه فارسی نبوده است، در پی نوشت تفاوت آن شرح شده است. نیز اگر یک واژه فارسی چند برابر گویشی داشته و همگی در خانه مربوط نمی‌گنجد است، دیگر برابرها در پی نوشت ذکر شده است. گاه برابرهای دیگر واژه که دقیقاً هم‌معنی واژه فارسی نبوده است نیز در پی نوشت ذکر شده است.

- گویشور در ترجمه یک جمله فارسی به برابر گویشی‌اش، بیش از ترجمه یک واژه، از برابر فارسی متأثر خواهد شد و معمولاً گذشته‌از تأثیر واژگانی، سخت از نحو جمله فارسی متأثر می‌شود. برای کم کردن این تأثیرپذیری بهتر است گویشوری باهوش و با شم زبانی خوب انتخاب شود و از او خواسته شود تا جمله را آن طور بگوید که خود در موقعیت مشابه می‌گوید.

- موارد اندکی هست که آنچه از واژه‌ها و جمله‌ها از گویشور ضبط شده با آنچه در کتاب نوشته شده است، اختلاف دارد. این اختلاف ناشی از ویرایش‌های پایانی است که پس از ضبط اعمال شده است. این ویرایش‌ها یا نتیجه تجدیدنظر گویشور بوده است یا نتیجه تردید نگارنده در اصیل بودن آن واژه یا جمله. نمونه‌های مورد تردید با گویشور، بدون دادن پیش‌فرض به وی و با دقت و تمرکز بیشتر، بازآموده شده و سپس ویرایش اعمال شده است.

- گاه اختلاف‌های آوایی اندکی در تلفظ گویشوران بوده است. در این موارد، صورتی که میان پیرترها رایج بوده (که معمولاً با اصول زبان‌شناسی تاریخی در یافتن صورت اصیل واژه هماهنگ است) ذکر شده است، در غیر این صورت آنچه رایج‌تر بوده، ذکر شده است.

- برای نمونه متنی‌هایی که در پایان آوانویسی شده است، تلاش شده است از هردو طیف گویشور مُسن و جوان نمونه‌ای بیاید.

- گویشور معمولاً، کم یا زیاد، از حضور پژوهشگر، دیدن دستگاه ضبط و آگاهی از این که صدایش ضبط می‌شود متأثر می‌شود و ممکن است برخی صورت‌های فارسی‌زده یا واژه‌های فارسی را، به جای ساختارها، صورت‌های آوایی و واژه‌های اصیل آن گویش، به کار ببرد. موارد این‌چنینی، تا جایی که نگارنده می‌دانسته، در متن آوانویسی/یتالیک شده‌اند و در پانویست، با یاری گویشور، صورت اصیل بازگو شده است.^{۱۱} وام‌واژه‌ها و موارد نااصیلی که کاملاً رایج‌اند و جای صورت‌های اصیل را گرفته‌اند،/یتالیک نشده‌اند.

- ترجمه متن‌ها اولاً تا حد امکان لفظی است تا مقایسه و فهم متن اصلی آسان شود و دوماً نزدیک به فارسی گفتاری است که برای ترجمه گویش متناسب‌تر است، اما گاه واژه‌های کهن‌تر

۱۱. گفتنی است در بخش متن‌ها گاه جمله یا ترانه ترجیع در مثل/قصه، ممکن است به زبانی دیگر گفته شود (قس، پانویست ۸ در بخش «راهکارهای تجربی»). این موارد نیز/یتالیک شده‌اند، اما باید توجه داشت که این‌ها آگاهانه‌اند و جزء خود آن قصه‌اند و متفاوت‌اند با آنچه متأثر از عوامل خارجی وارد زبان گویشور می‌شود.

نیز برای لفظی‌تر شدن ترجمه، به کار رفته است؛ مانند «جامه» برای jo:ma در لری سگوند.

- در آوانویسی واژه‌ها، جمله‌ها و متن‌ها از همان نشانه‌های پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده شده است. تنها برای آوانویسی برخی آواها، ناچار نشانه‌هایی افزوده شده است؛ مانند نشانه روی همخوان (ñ مانند ñ) برای نشان دادن کامی‌شدگی.

- به‌ویژه در مورد فعل، ممکن است گویشور صورتی کوتاه‌شده را به جای صورت کامل به کار ببرد. در آوانویسی بخش واژه‌ها، جمله‌ها و تا اندازه‌ای متن‌ها، سعی شده است صورت کامل مبنا قرار گیرد و اگر صورت کوتاه‌شده نیز رواج کامل دارد، بخشی که گاه تلفظ نمی‌شود و می‌تواند حذف شود، درون کمان آمده است، مثلاً go:(δ-e)n بختیاری برابر است با go:δ-en و go:-n.

- تلاش شده است همه اجزاء/پاره‌های دستوری شامل واژه‌های مستقل، وندها و شناسه‌های فعلی، در آوانویسی با خط تیره جدا شوند.

- نشانه ؛ برای جدا کردن واژه‌های مستقل، نشانه / در معنی «یا» میان دو آوا یا دو واژه، و نشانه - برای جدا کردن پاره‌های دستوری به کار رفته است. بخشی که واژه با و بدون آن تلفظ می‌شود، درون () و واژه یا عبارتی که در متن اصلی/آوانویسی نیست و برای روشن‌تر شدن معنی به ترجمه افزوده شده است درون <> می‌آید. برخلاف آن، واژه یا عبارت زائدی که گویشور در نتیجه لغزش‌های معمول گفتار، به زبان آورده و در متن اصلی/آوانویسی هست، در آوانویسی درون <> می‌آید، اما در ترجمه بازگو نمی‌شود.

سپاسگزاری

سپاسگزاری از یک‌یک گویشوران و ذکر مهمان‌نوازی‌ها و پشتیبانی‌هایشان، خود یک کتاب جوهری می‌خواهد و ممکن است حافظه یاری نکند و نام و زحمت کسی از قلم بیفتد یا چنانکه شایسته است، وصف نشود. نگارنده سپاسگزار محبت همه آنهاست که با شکیبایی و هوش و تیزویریشان یاور انجام این مجموعه بوده‌اند. امید است که این سیاه‌مشق اثری اندک در پایداری این زبان/گویش‌ها داشته باشد و گام کوچکی در پژوهش در زمینه گویش‌های ایرانی به شمار آید و پژوهشگر و گویشور، هردو، خطاها و کاستی‌های آن را هم گوشزد کنند و هم بر نگارنده ببخشایند.^{۱۲}

سلمان علی‌یاری بابلقانی

تهران، زمستان ۱۳۹۴

معرفی مناطق و طایفه‌های مورد مطالعه

لری بختیاری هفت‌لنگ

Haflang «هفت‌لنگ» یکی از دو ایل^{۱۳} بزرگ، شناخته شده و پرجمعیت لر بختیاری است که بیشتر در خوزستان ساکن و کوچ‌روند^{۱۴} و گویش ایشان در زمره گویش‌های جنوبی^{۱۵} زبان لری قرار دارد. در این پژوهش، به‌طور مشخص، گویش هفت‌لنگ مردم منطقه Qale-Sard «قلعه‌سرد» در حدود ۳ کیلومتری غرب دهدز (بر سر راه دهدز به ایذه) در استان خوزستان گردآوری شده است. مواد گویشی بیشتر از روستای Kelimolk «کلیملک» در بخش دهدز شهرستان ایذه گردآوری شده است. اهالی این روستا لرهای بختیاری هفت‌لنگ و از طایفه Owrek «اورک»، تیره «قلعه‌سردی» اند.

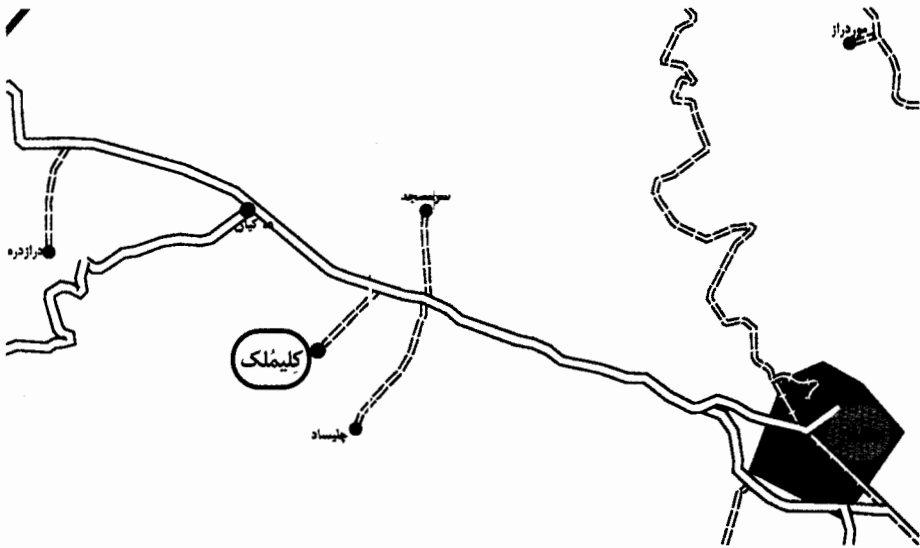
وبگاه مرکز آمار ایران، بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت کلیمک را ۱۲۰ خانوار و ۵۶۱ نفر گزارش کرده است. این روستا دارای مدرسه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، خانه بهداشت، درمانگاه، آب، برق، گاز و تلفن است و پیشه بیشتر مردم روستا کشاورزی و دامداری است. دیگر روستاهای منطقه قلعه‌سرد، شامل ده‌کیان، سرمسجد، درازدره و چلیساد نیز از ایل هفت‌لنگ تیره قلعه‌سردی‌اند و به گونه‌ای یکسان از لری بختیاری هفت‌لنگ سخن می‌گویند.^{۱۶}

۱۳. ایل بزرگ دیگر بختیاری به Çalang «چهارلنگ» موسوم است.

۱۴. البته بیلاق ایشان بیشتر در استان چهارمحال و بختیاری است.

۱۵. گویش‌های مختلف زبان لری را بنابر جایگاهشان در جغرافیای زبان لری می‌توان به دو گروه شمالی و جنوبی دسته‌بندی کرد. گویش‌های لری شمالی در استان لرستان، جنوب استان همدان و مرکزی، شرق استان کرمانشاه، جنوب شرق استان ایلام و شمال غرب استان خوزستان و گویش‌های لری جنوبی (شامل بختیاری، ممسنی، کهکیلویه‌ای، بویراحمدی و گویش‌های مختلف آن‌ها) در استان‌های کهکیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، فارس، لرستان و اصفهان رواج دارند. این دو گروه، گذشته از همسانی‌های کلی، برخی تمایزهای آوایی، ساختاری و واژگانی مشخص نیز با یکدیگر دارند. نگارنده پیش‌تر عنوان «لری فیلی» را در مقاله «مقایسه پسوندهای سازنده فعل مجهول و لازم در زبان فارسی میانه (پهلوی) و لری فیلی، نامه/ایران باستان، سال یازدهم، شماره اول و دوم، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۴» به‌کار برده است. کاربرد اصطلاح «فیلی» البته برای لری شمالی معمول است، اما چه این عنوان به لحاظ تاریخی درست بوده باشد یا نه، بهتر است امروز به‌کار نرود، چرا که ظاهراً ایل/طایفه فیلی (در استان ایلام) تنها به گونه‌ای از کردی جنوبی سخن می‌گویند و گویشور لری، چه در لرستان و چه در ایلام، ندارد.

۱۶. نگارنده در آغاز کار آشنایی خوبی با منطقه نداشت و در اواخر کار متوجه شد که در جاهای دیگر از روستاهای دهدز و ایذه می‌توان صورت‌های کهن‌تری را از لری بختیاری هفت‌لنگ یافت.



موقعیت روستای کلیملک (لری بختیاری هفت‌لنگ)

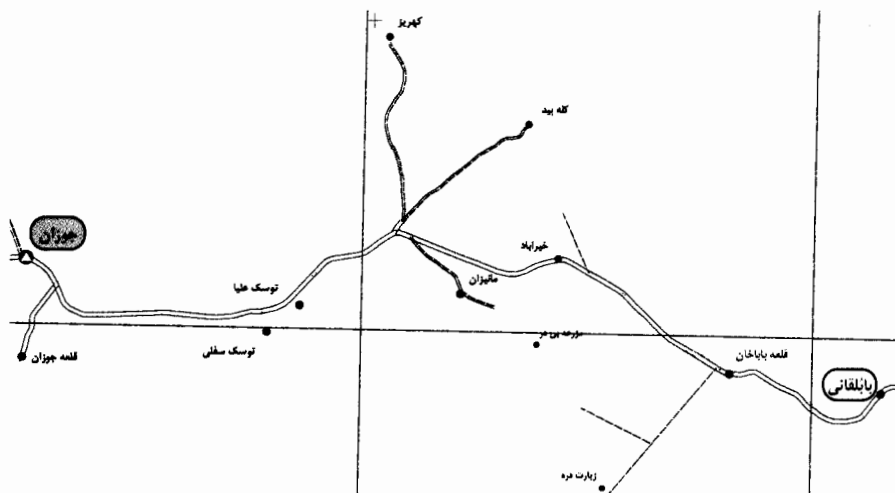
لری دره‌جوزانی

«دره‌جوزان» که بومیان آن را Daraĵəwzo(n) می‌خوانند، منطقه‌ای کوهپایه‌ای است در شرق شهرستان ملایر، در استان همدان که تا روستاهای منطقه «Čarâ» «چررا»، بخش «خُنداب» در جنوب شهر اراک امتداد می‌یابد و بن‌بستی کوهستانی آن را از روستاهای مذکور جدا می‌کند. مردم این منطقه به گونه‌ای از گویش‌های شمالی^{۱۷} زبان لری سخن می‌گویند که نزدیکی بیشتری با گویش‌های لری شمالی رایج در روستاهای اراک، توپسرکان، نهاوند، بروجرد و ... و نزدیکی کمتری با گویش‌های لری شمالی رایج در ایلام، خوزستان و مرکز و جنوب لرستان، مانند چگنی، سگوند، پاپی و ... دارد. دسته نخست که دره‌جوزانی را نیز شامل می‌شود، در مرزهای شمالی جغرافیای زبان لری قرار دارند و به‌نسبت دسته دوم، بیشتر از فارسی متأثر شده‌اند، اما به‌ویژه در عرصه واژگانی، گاه تفاوت‌هایی با دسته نخست نشان می‌دهند که می‌باید مستقل از تأثیرپذیری مذکور باشد. در این پژوهش، به‌طور مشخص، گویش لری دره‌جوزانی مردم روستای Bolqoni «بالقانی» از دهستان «جوزان»، بخش مرکزی، شهرستان ملایر گردآوری شده است.

۱۷. برای توضیح اصطلاح «لری شمالی» نک: پانوش ۱۵ در معرفی لری بختیاری هفت‌لنگ.

وبگاه مرکز آمار ایران، بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت بابلقانی را ۲۵۳ خانوار و ۸۸۳ نفر گزارش کرده است. این روستا دارای مدرسه ابتدایی و راهنمایی، خانه بهداشت، آب، برق، گاز و تلفن است و پیشه بیشتر مردم آن کشاورزی و دامداری است. بیشتر جمعیت روستا را چهار تیره/طایفه علی‌یاری، فرغذاری، بیات و موسوی تشکیل می‌دهند که همگی به گویشی واحد سخن می‌گویند، اما مشخص نیست که برآمده از طایفه/ایلی واحد بوده‌اند یا نه^{۱۸}. جز مردم روستای «مانیزان» که به گونه‌ای از ترکی سخن می‌گویند، دیگر روستاهای منطقه دره‌جوزان، شامل گمسا، قلعه باباخان (حصار باباخان)، توسک، کهریز، کله‌بید، فروز، ازناوله، جوراب و ... همگی به لهجه‌های دیگر این گویش سخن می‌گویند. تفاوت تلفظی و واژگانی میان این لهجه‌ها اندک، اما بارز و برای خود گویشوران نیز آشکار است. در این میان احتمالاً فقط روستای گمسا و شاید کهریز و کله‌بید نیز، به نسبت بابلقانی، صورت‌های زبانی کهنه‌تری را حفظ کرده‌اند.

گفته می‌شود که بخشی از مردم بابلقانی از مناطقی آمده‌اند که گویشور لری جنوبی‌اند؛ لذا عناصر اندکی در این گونه که با گویش روستاهای دیگر دره‌جوزان ناهمخوان است، مانند فعل âvid-en به جای biy-e(n) «شدن» که ویژه لری جنوبی است، شاید مؤید همین قول باشد.



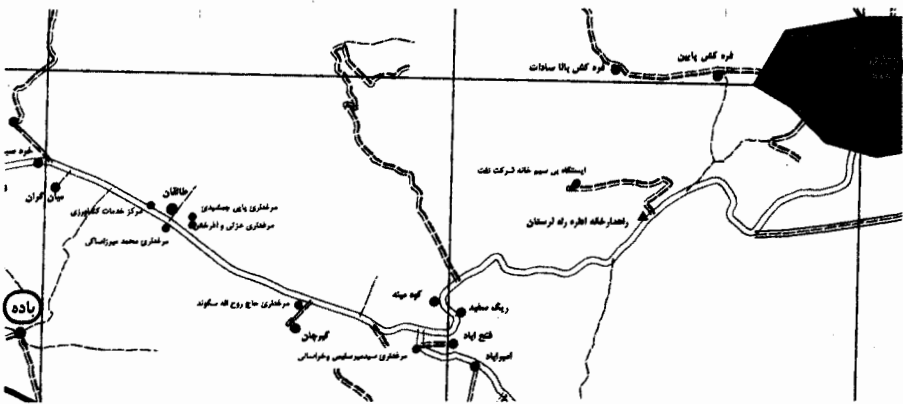
موقعیت روستای بابلقانی (لری دره‌جوزانی)

۱۸. گفتنی است در این منطقه و بسیاری مناطق دیگر مرزهای شمالی زبان لری، برخلاف دیگر مناطق لرزبان، می‌توان گونه‌های زبانی را تنها بر مبنای جغرافیا دسته‌بندی کرد و ساختار ایلی نقش برجسته‌ای در تعیین گونه‌های زبانی متفاوت ندارد.

لری سگوند

Sagvan «سگوند» از ایل/طایفه‌های نسبتاً بزرگ و پرجمعیت لر^{۱۹} است که در زاغه خرم‌آباد، ازنا، شوش، اندیمشک و ایلام(?) ساکن یا کوچروند و گویش ایشان در زمره گویش‌های شمالی^{۲۰} زبان لری قرار دارد. در این پژوهش، به‌طور مشخص، گویش سگوند مردم روستای Bâ'a «باده» از بخش Zâqa «زاغه» شهرستان خرم‌آباد در استان لرستان گردآوری شده است.

وبگاه مرکز آمار ایران، بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت روستای باده را ۱۵۰ خانوار و ۵۸۶ نفر گزارش کرده است. این روستا دارای یک مدرسه ابتدایی، خانه بهداشت، آب، برق و تلفن است و پیشه بیشتر مردم روستا کشاورزی و دامداری است. به جز یکی دو خانواده بیرانوند که در اصل لک‌زبان‌اند، همه اهالی این روستا لرهای سگوندند^{۲۱} و به‌خوبی صورتهای کهنه‌تر زبانی را حفظ کرده‌اند. دیگر روستاهای بخش زاغه مانند طالقان، ریگ‌سفید، کیان، ده‌سفید، میل‌میلک، خرّه‌سیاه و... نیز از ایل سگوند به‌شمار می‌آیند.



موقعیت روستای باده (لری سگوند)

۱۹. نگارنده شنیده است که برخی از تیره‌های سگوند لک‌زبان‌اند. در این صورت محتمل است که ایشان در اصل لک بوده باشند.

۲۰. برای توضیح اصطلاح «لری شمالی» نک: پانویست ۱۵ در معرفی لری بختیاری هفت‌لنگ.

۲۱. در این روستا از طایفه ساکی نیز ساکنانند و خود را جزء ایل/طایفه سگوند می‌دانند. نگارنده درستی این نظر را به تحقیق نمی‌داند اما هیچ تفاوتی، حتی جزئی، میان زبان خانواده‌های ساکی و دیگر ساکنان دیده نشد.

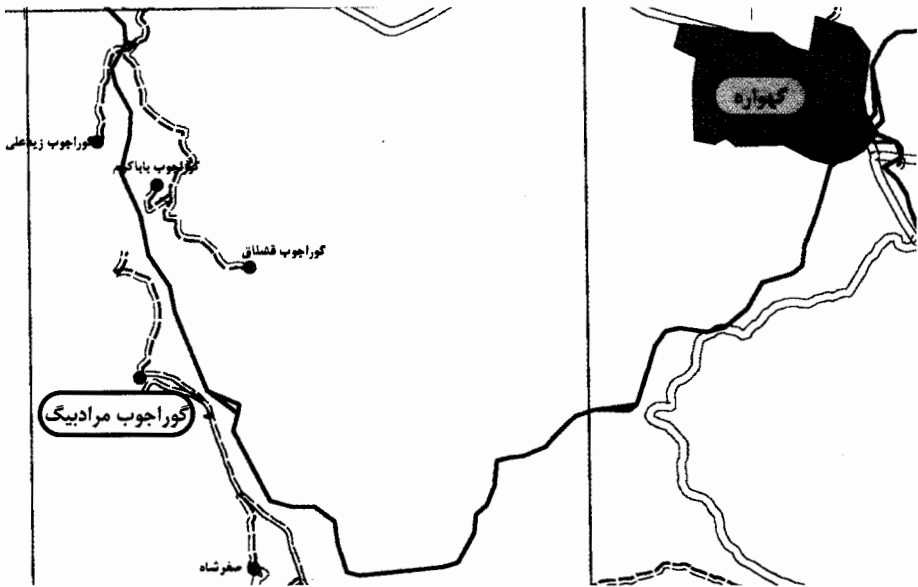
گورانی گوره‌جویی

Gurân «گوران» از ایل‌های نسبتاً بزرگ و شناخته شده استان کرمانشاه است که بسیاری از ایشان در شهر گهواره (از شهرستان دالاهو) و روستاهای اطراف آن ساکن‌اند. مردم گوران در این منطقه بیشتر با روستاهایی از ایل سنجانی و قلخانی هم‌جوارند. بیشتر مردم ایل گوران، در استان کرمانشاه، به گونه‌ای از کردی جنوبی سخن می‌گویند و با دیگر گویشوران کردی جنوبی در این استان (مانند قلخانی و کلهر) تفاهم زبانی کامل دارند، اما گروه کوچکی از ایشان به زبانی متفاوت سخن می‌گویند که فهم آن برای کردزبانان منطقه دشوار است. بخشی از این گروه در روستای Zarda «زرده»، در شهرستان دالاهو، زندگی می‌کنند که زبان ایشان را همسایگان کردزبان Səyyāna «سیانه» می‌خوانند و بخش دیگر آن در نزدیکی شهر گهواره و رود «زمکان»، در روستایی به نام Gowraju «گوراجوب». زبان ایشان نزد زبان‌شناسان، با نام گورانی شناخته است^{۲۲}، اما این عنوان برای مردم منطقه و خود مردم گوراجوب بیگانه است. ایشان زبان خود را Gowraju یا Gowrajuyā «گوره‌جویی» و مردم کردزبان منطقه آن را Mwāy-mwāy (لفظی به گوره‌جویی: «می‌گوید می‌گوید») نیز می‌خوانند، چنانکه مردم گوراجوب نیز گویش‌های کردی منطقه را Uše:-uše: (لفظی به کردی جنوبی: «می‌گوید می‌گوید») نیز می‌خوانند. در این پژوهش، به‌طور مشخص، داده‌های گویش گورانی روستای «گوراجوب مرادیگ»^{۲۳}، از بخش «گهواره»، شهرستان دالاهوی استان کرمانشاه گردآوری شده است.

وبگاه مرکز آمار ایران، بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت روستای گوراجوب مرادیگ را ۲۸ خانوار و ۸۷ نفر گزارش کرده است. شوربختانه، به علت بنای سد زمکان، این روستا در سال ۱۳۹۱ ویران و مردم آن در اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، کرج، ساوه، گهواره و پراکنده شده‌اند؛ لذا به‌ناچار، داده‌های گویشی گوره‌جویی از گویشورانی که ساکن گهواره، کرج و ساوه و تهران‌اند، گردآوری شده است.

۲۲. این عنوان برای دیگر گویش‌های نزدیک به گوره‌جویی و زرده‌ای، مانند هورامی و کندوله‌ای و ... نیز به‌کار می‌رود.

۲۳. در این منطقه پنج روستا به گوراجوب موسوم است؛ Gowraju Safar-šâ «گوراجوب صفرشاه»، Gowraju Bâwa-karam «گوراجوب باباکرم»، Gowraju Zey-ali «گوراجوب زیدعلی»، Gowraju Mərâwa «گوراجوب مرادیگ» و Gowraju Qešlâx «گوراجوب قشلاق». از میان این‌ها (جز گوراجوب مرادیگ که موضوع این پژوهش است) تنها گوراجوب قشلاق گورانی‌زبان است که تقریباً نیمه‌متروک است و جز چند خانوار در آن ساکن نیستند، و سه روستای دیگر مانند مردم منطقه کردزبان‌اند. مردم منطقه ممکن است به‌جای نام کلی «گوره‌جو» نام‌های خاص‌تر باباکرم و ... را به‌کار ببرند، اما عنوان کلی «گوره‌جو» یا Gowraju Gowra/â «گوراجوب/گوره‌جوی بزرگ» برای گوراجوب مرادیگ که روستای بزرگ‌تر بوده است به‌کار می‌رود.



موقعیت روستای گوراجوب مرادیگ پیش از متروک شدن (گورانی گوره‌جویی)

لکی دلفانی

Delfon «دلفان» در شمال غرب استان لرستان قرار دارد و در کنار طرهان (شهرستان کوهدشت) و سلسله، یکی از سه منطقه اصلی استان لرستان است که به گونه‌هایی از لکی سخن می‌گویند.^{۲۴} در این پژوهش، به‌طور مشخص، گویش لکی دلفانی طایفه Nürâli «نورعلی» مردم روستای «سبزه‌خانی» گردآوری شده است. روستای سبزه‌خانی که بومیان آن را Söza-xo:ni و Huz-bâla می‌خوانند، از دهستان «نورآباد» بخش مرکزی شهرستان دلفان است و در حدود ۱۲ کیلومتری غرب شهر نورآباد قرار دارد.

وبگاه مرکز آمار ایران، بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت روستای سبزه‌خانی را ۷۳ خانوار و ۲۷۳ نفر گزارش کرده است. این روستا دارای مدرسه ابتدایی، خانه بهداشت، آب، برق و تلفن است و پیشه بیشتر مردم روستا کشاورزی و دامداری است. همه مردم روستا از طایفه نورعلی‌اند،

۲۴. مرز جغرافیای زبانی لکی از غرب استان لرستان آغاز می‌شود و تا شرق استان کرمانشاه و بخش‌های هم‌مرز با استان ایلام ادامه می‌یابد، همچنین تا جایی که نگارنده می‌داند، در برخی نقاط دیگر استان لرستان مانند خرم‌آباد و بروجرد، چند روستا در ملایر (استان همدان)، منطقه «چررا»، در شهرستان «خنداب» استان مرکزی و روستاهایی در کلاردشت مازندران نیز به گونه‌هایی از لکی سخن می‌گویند.